

Research Article

The Internal Causes of the Spread of the Thought of Takfir in the Contemporary Islamic World

Amin Kooshki¹ Abuzar Omrani²

Received: 08/04/2022

Accepted: 03/04/2023



Abstract

The thought of takfir is referred to the issue of Salafism and returning to the thought and practice of the Salaf, which has been propagated by people such as Ahmad Ibn Hanbal, Ibn Taymiyyah and Ibn Abd al-Wahhab since the beginning of Islam, and has spread in the contemporary era. This study aims to examine the internal factors of the Islamic world in the expansion of the thought of takfir. Internal factors are those internal conditions of Islamic societies that have prepared the ground for the formation and expansion of this concept. Thus, the question arises as to what factors within the Islamic world have caused the promotion and expansion of the idea of takfir in the contemporary era? It seems that the idea of takfir by creating ideas and attracting audiences through the

1. Assistant Professor, Department of Political Sciences, Faculty of Literature and Humanities, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran (corresponding author). a.kooshki@hsu.ac.ir.

2. PhD student in International Relations, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran.
ahoor_131@yshoo.com.

* Kooshki, A., & Omrani, A. (1402 AP). The Internal Reasons of the Spread of the Thought of Takfir in the Contemporary Islamic World. *Journal of Islam and Social Studies*, 10(40), pp. 103-132.
DOI: 10.22081/JISS.2023.62750.1912

● © Author (s). This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited.

mechanisms of referring to the early Companions of the early days of Islam and by abusing some Islamic values, were able to distance them from the circle of Islamic sacred concepts and give them a legitimate and ideological status in the minds of their supporters. Also, the experience of takfiri groups like ISIS shows that the idea of takfir is more attractive to the audience of regions that are facing poverty, ignorance, unawareness, division and instability. The current study has taken advantage of the descriptive-analytical method and constructivist theory to analyze the set of internal factors involved in the expansion of the thought of takfir.

Keywords

Islamic World, Takfir, Salafism, Caliphate, Jihad, Hijrat.

مقاله پژوهشی

علل درونی گسترش اندیشه تکفیر در جهان اسلام معاصر

امین کوشکی^۱ ابوذر عمرانی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۱۴

©Author(s).



چکیده

اندیشه تکفیر به مسئله سلفی‌گری و بازگشت به اندیشه و رویه سلف ارجاع داده می‌شود که از صدر اسلام تاکنون اشخاصی مانند احمد بن حنبل، ابن تیمیه و ابن عبدالوهاب تبلیغ کرده‌اند و در دوره معاصر گسترش یافته است. هدف این پژوهش بررسی عوامل درونی جهان اسلام در گسترش اندیشه تکفیر است. عوامل درونی، آن دسته از شرایط داخلی جوامع اسلامی هستند که زمینه را برای شکل‌گیری و گسترش این مفهوم آماده کرده‌اند؛ بدین ترتیب این پرسش مطرح می‌شود که چه عواملی در درون جهان اسلام موجب ترویج و گسترش اندیشه تکفیر در دوره معاصر شده است؟ به نظر می‌رسد اندیشه تکفیر با ایده‌سازی و جذب مخاطبان به وسیله سازوکارهای ارجاع به صحابه اولیه صدر اسلام و با سوء استفاده از برخی ارزش‌های اسلامی توانستند آنان را از دایره مفاهیم مقدس اسلامی دور ساخته و در ذهن حامیان خود حالتی مشروع و ایدئولوژیک بدهند؛ همچنین تجربه گروه‌های تکفیری مانند داعش نشان می‌دهد که اندیشه تکفیر برای مخاطبان مناطقی که با فقر، جهل، ناآگاهی و تفرقه و بی‌ثباتی مواجه‌اند جذابیت بیشتری دارد. پژوهش حاضر از روش توصیفی - تحلیلی و نظریه‌سازانه‌نگاری برای تحلیل مجموعه عوامل درونی دخیل در گسترش اندیشه تکفیر بهره برده است.

کلیدواژه‌ها

جهان اسلام، تکفیر، سلفی‌گری، خلافت، جهاد، هجرت.

۱. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران (نویسنده مسئول).
a.kooshki@hsu.ac.ir

۲. دانش‌آموخته دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.
ahoora_131@yshoo.com

✳ کوشکی، امین؛ عمرانی، ابوذر. (۱۴۰۲). علل درونی گسترش اندیشه تکفیر در جهان اسلام معاصر. فصلنامه علمی - پژوهشی اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱۰(۴)، صص ۱۰۳-۱۳۲. DOI: 10.22081/JISS.2023.62750.1912

مقدمه

از صدر اسلام تاکنون، دین اسلام با مسائل مختلف درون‌دینی و برون‌دینی مواجه بوده است. ایجاد فرقه‌های مختلف مذهبی و انشعاب درون اسلام باعث شده تا انسجام میان مسلمانان از بین برود. دین اسلام پس از وفات پیامبر ﷺ در قالب نهاد خلافت تا دوره خلافت عثمانی ادامه پیدا کرد؛ ولی پس از سقوط دولت عثمانی و پیدایش کشورهایمانند عربستان سعودی و عراق، و مذاهبی مانند وهابیت، بر نقش و اهمیت قدرت‌های بزرگ در جریان‌دهی به تحولات کشورهای اسلامی افزوده شد؛ برای نمونه عربستان سعودی پس از فروپاشی امپراطوری عثمانی با کمک کشورهای استعمارگر انگلستان و فرانسه پدید آمد. در این مرحله ابن‌سعود یک رژیم مبتنی بر پادشاهی در عربستان به وجود آورد و با هم‌پیمانی با محمد بن عبدالوهاب، مذهبی به نام وهابیت را در این کشور رسمیت داد (هوشنگ مهدوی، ۱۳۸۶، ص ۳۹۳). این مذهب بر پایه اصول مذهب حنبلی و با تکیه بر آرای و اندیشه‌های ابن‌تیمیه شکل گرفت که به بازگشتن به شیوه سلف صالح و تکفیر دیگر افراد غیر مسلمان یا حتی مسلمانانی معتقد بود که به مبانی اعتقادی و شیوه آنها فکر و عمل نمی‌کردند. از آن پس نیز جریان‌ها و گروه‌های مختلف تکفیری در انواع گوناگون آن ظاهر شدند.

تکفیری‌ها بخشی از گروه‌های اصلاح‌طلب سلفی هستند که در دهه‌های اخیر توانسته‌اند در میان توده‌های مسلمان به‌ویژه اقشار مختلف اهل تسنن نفوذ پیدا کنند و با تکفیر افرادی که موافق با آنها نمی‌اندیشند جنایات زیادی مرتکب شوند. تجربه این گروه از جمله در دوران طالبان در افغانستان و حضور داعش و جبهه النصره در عراق و سوریه این ادعا را تأیید می‌کند. گسترش سریع و ترویج این رویکرد در گستره وسیعی از سرزمین‌های اسلامی اذهان را متوجه چرایی این مسئله کرده است. دلایل زیادی در درون و خارج از جهان اسلام باعث ترویج اندیشه تکفیر شده است. هدف پژوهش حاضر بررسی عوامل درونی جهان اسلام است. در این راستا این پرسش مطرح می‌شود که چه عواملی در درون جهان اسلام بر گسترش اندیشه تکفیر در دوره معاصر تأثیرگذار بوده است؟ پژوهش حاضر عوامل درونی گسترش اندیشه تکفیر در جهان

اسلام را آن‌دسته از شرایط داخلی جوامع اسلامی در نظر گرفته که زمینه را برای شکل‌گیری و گسترش این مفهوم آماده کرده است. از جمله این شرایط که برای حامیان آنها دارای اهمیت است، قداست و مشروعیت مفاهیمی است که اندیشه تکفیر و ایدئولوژی گروه‌های تکفیری بر آن پایه بنا شده‌اند. این مفاهیم اگرچه با مفاهیم اصیل و مقدس اسلامی آن متفاوت بوده و به نوعی تفاسیر انحرافی و باطلی از آنها ارایه شده است، ولی به دلایلی مانند جهل، ناآگاهی و تعصبی که در میان حامیان آنها وجود دارد، مشروعیت خود را حفظ کرده است. مفاهیمی مانند خلافت، شهادت، جهاد و هجرت از این جمله‌اند. در تحقیق حاضر علاوه بر طرح انحرافی و باطل سلفی- تکفیری این مفاهیم، بررسی آنها از دیدگاه شیعیان نیز مطرح می‌شود؛ همچنین باید دید شرایط محیطی مناسب برای گسترش این اندیشه چه می‌باشد؟ به نظر می‌رسد اندیشه تکفیر در محیط‌های بی‌ثبات، مغشوش و ناامن، امکان رشد بیشتری می‌یابد و جهل، ناآگاهی و فقر افراد زمینه مناسبی را برای رشد و گسترش این اندیشه در میان جوامع اسلامی فراهم می‌کند. وضعیت مالی و رشد منابع اقتصادی به دلایل مختلف، یکی دیگر از زمینه‌ها و علل گسترش اندیشه تکفیر و ایجاد جذابیت برای پیوستن افراد مختلف به آن است. مجموعه این عوامل باعث ترویج و گسترش اندیشه تکفیر در میان مسلمانان در دوره معاصر شده است.

۱. روش پژوهش

پژوهش حاضر از میان انواع کیفی، کمی و تلفیقی، از نوع کیفی می‌باشد و در این نوع روش پژوهش، دانش در درجه اول از طریق گردآوری داده‌ها و سپس با مطالعه جدی و عمقی موارد و تحلیل آنها به دست می‌آید. روش پژوهش حاضر نیز توصیفی-تحلیلی است. در روش توصیفی یک شخص، مکان، رخداد یا چیزی به تصویر می‌کشد، به طوری که خواننده می‌تواند موضوع را تجسم کند. هدف از مطالعه توصیفی ارائه تصویری از یک پدیده به همان صورت طبیعی است که رخ داده است. در مطالعات توصیفی از چگونگی انجام رویدادها پرسش می‌شود. در بخش تحلیل نیز بیشتر به تولید

توصیف‌های استدلالی و کشف معناها و بررسی متغیرها پرداخته می‌شود (رجائی و جلیلی، ۱۳۸۹، ص ۲). گردآوری اطلاعات نیز به شیوه کتابخانه‌ای انجام شده و در این راستا تلاش است از مهم‌ترین منابع موجود شامل کتاب‌ها، مقالات، نشریات، پایان‌نامه‌ها و سایت‌های اینترنتی فارسی و انگلیسی استفاده شود.

۲. چارچوب نظری: کاربست نظریه سازه‌انگاری در سیاست و روابط بین‌الملل

در این بخش در ابتدا در مورد نظریه سازه‌انگاری توضیحاتی ارائه شده و در ادامه، چگونگی به کارگیری این نظریه در سیاست و روابط بین‌الملل مطرح می‌شود.

۱-۲. تقریر نظریه سازه‌انگاری

نیکلاس اونف،^۱ نخستین کسی بود که در سال ۱۹۸۹ مفهوم سازه‌انگاری^۲ را در روابط بین‌الملل به کار گرفت. سازه‌انگاری بر ایجاد شرایط و ساخت اجتماعی واقعیت تأکید دارد (Cahan, 2018, p. 178). از دیدگاه آنها اساساً موجودیت ساختارها، نهادها و کارگزاران جنبه ذهنی و یا دست کم گفتمانی دارند و اینها جز بر مبنای فهم انسانی وجود ندارند؛ بنابراین سازه‌انگاران از یک سو به ایده‌ها، قواعد، هنجارها و رویه‌ها توجه دارند و از سوی دیگر واقعیت مادی را هم می‌پذیرند؛ بنابراین سازه‌انگاری وجود جهان مادی و واقعیات مادی را انکار نمی‌کند، ولی برای واقعیات بین‌الذهانی نیز نقش مهمی قائل است (Guzzini, 2000, p. 160). سازه‌انگاری در بردارنده سه عبارت اصلی هستی‌شناسانه است؛ نخستین گزاره این است که ساختارهای فکری و هنجاری نیز به اندازه ساختارهای مادی اهمیت دارند. دومین گزاره، هویت‌ها هستند که به منافع و کنش‌ها شکل می‌دهند. براساس گزاره سوم، کارگزاران و ساختارها به هم متقابلاً شکل می‌دهند. سازه‌انگاران به این دلیل بر اهمیت ساختارهای معنایی و هنجاری تأکید

1. Nicholas Onuf

2. Constructivism

دارند که اینها به هویت‌های اجتماعی بازیگران سیاسی نیز شکل می‌دهند؛ همچنین می‌گویند که فهم چگونگی مشروط‌شدن هویت‌های بازیگران به واسطه ساختارهای غیرمادی مهم است؛ زیرا هویت‌ها بر منافع و از این طریق بر کنش‌ها مؤثرند (برجیل و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۲۵۴).

از دیدگاه سازه‌انگاری، کنشگران بر اساس معانی که چیزها و دیگر کنشگران برای آنها تولید می‌کنند عمل می‌کنند. این معانی بین‌الذهانی در تعامل شکل می‌گیرند، به گونه‌ای که افراد از محیط اجتماعی - سیاسی اطراف، نوعی طرح‌شناختی یا چارچوب ذهنی خاص در ذهن خود می‌سازند و این تصورات به جای واقعیات عینی و بیرونی، هویت و رفتار آنها را تعیین می‌کنند (آدمی و مرادی، ۱۳۹۶، ص ۲۴۲). از این نظر واقعیات‌های بین‌المللی به واسطه ساختارهای معرفتی‌ای که به دنیای مادی معنا می‌دهند شناخته می‌شوند و بازیگران دربارهٔ موضوعات و بازیگران دیگر بر اساس معنا و مفهومی که آن موضوعات برایشان دارند عمل می‌کنند و از این‌رو رفتار با دوست و دشمن متفاوت است. از نظر سازه‌انگاران، زمانی به بحث منافع می‌رسیم که دارای هویت باشیم. آدلر^۱ با محور قراردادن مقوله هویت، اشاره می‌کند که هویت دولت‌ها محور تعریف آنها از واقعیت و بر ساختن مسائلی مانند قدرت، منافع ملی، دوست، دشمن، امنیت و در نهایت تصمیم‌گیری و کنش بر اساس آنهاست؛ همچنین کشورها مانند افراد تا اندازه زیادی، زندانیان هویت و دسته‌بندی‌های ارزشی خود از جهان هستند. به تعبیر دیگر، عقاید، هنجارها و درک ذهنی کنشگران همواره سازنده شاخص‌هایی چون هویت و منافع است (رفیع، ۱۳۹۴، ص ۱۸۱). بر این مبنا، فرگوسن^۲ و منزباخ^۳ معتقدند در جهان پسا بین‌الملل طیف وسیعی از جوامع سیاسی وجود دارند که وجود هویت‌های متفاوت را منعکس می‌کنند. هویت‌هایی همچون هویت دینی که جایگزین هویت شهروندی زمان بین‌الملل می‌شود؛ برای مثال شبکه القاعده یا داعش، شامل شهروندانی از کشورهای متفاوت

1. Adle
 2. Ferguson
 3. Manzbach

است که با این سازمان به خود هویت می‌بخشند، نمونه‌ای از به هم ریختن شالوده ملی هویت‌هاست (مشیرزاده، ۱۳۹۴، ص ۳۶).

۲-۲. سازه‌انگاری در حوزه سیاست و روابط بین‌الملل

از منظر سازه‌انگاران هویت‌ها نمایشی از درک انسان‌هاست، از اینکه چه کسی هستند که به نوبه خود علایق آنها را نشان می‌دهد (Theys, 2018, p. 2). و از این طریق منافع خاصی تولید می‌کنند که به تصمیمات سیاست‌گذاری شکل می‌دهند؛ اینکه خود را دوست، دشمن، یا رقیب دیگری بداند، تفاوت بسیاری در تعامل آنها ایجاد خواهد کرد. دولت‌ها با این تصورات در پی تغییر یا حفظ وضع موجود برمی‌آیند، با کشوری متحد می‌شوند یا علیه دیگران اقدام می‌کنند؛ همچنین بازیگران بر پایه درک و تصویری که از هویت خود دارند به تعریف منافع ملی خود می‌پردازند و سیاست خارجی آنها بر ایند این تعریف از منافع است (کوئکن و نراکتی، ۱۳۹۳، ص ۲۱۱).

همچنین تأکید سازه‌انگاری بر قوام متقابل کارگزار-ساختار، باعث می‌شود تا ضمن تبیین تأثیراتی که ساختار بر کارگزار و بالعکس می‌گذارد، فهم دقیق‌تری از تحولات درونی هر کدام نیز به دست آید؛ برای نمونه در مورد گروه‌های تکفیری باید گفت که ادراک، هویت و کنش گروه‌های سلفی-افراطی، ناشی از تطبیق یافتن هنجارهای درونی آنها با ساختارهای بیرونی است و با تغییرات ساختاری در بیرون باید انتظار داشت میزانی از تحولات هویتی در سلفی افراطی‌ها رخ دهد. همان‌گونه که ویل مک کانت^۱ می‌گوید: «سلفی‌هایی که از خشونت استفاده می‌کنند از سلفی‌های غیر خشونت‌طلب جدا نیستند، آنچه باعث تفاوت در هدف و نوع کنشگری آنها می‌شود، شرایط محیط پیرامونی و ادراک سلفی‌ها از آن است» (مرادی و کلاتری، ۱۳۹۹، ص ۱۰۹)؛ بدین ترتیب اگر شرایط بیرونی و ساختاری برای فعالیت این گروه‌ها مهیا باشد، به فرض اینکه خود این گروه‌ها نیز آمادگی فعالیت‌های خشونت‌آمیز داشته باشند، این امر با موفقیت و تحرک

1. Will McCant

بیشتری انجام می‌شود؛ ولی اگر ساختار بیرونی اجازه فعالیت را به آنها ندهد، محدودیت‌های زیادی برای آنها به وجود خواهد آمد. به طور کلی استفاده از نظریه سازه‌انگاری برای تحلیل دلایل گسترش اندیشه تکفیر به این دلیل مفید است که این نظریه بر مفاهیمی مانند هویت، ایدئولوژی، ارزش‌ها، عقاید و برداشت‌ها و معانی بین‌الذهانی به عنوان مبنای رفتار اشخاص تأکید می‌کند؛ بنابراین با استفاده از این نظریه می‌توان رفتار افراد، گروه‌ها و دولت‌ها را در محیط داخلی و بین‌المللی مورد تحلیل قرار داد.

۳. تکفیرگرایی و ویژگی‌های آن

از لحاظ تاریخی پیشینه این جریان در جهان اسلام به دوران خلیفه اول باز می‌گردد، زمانی که در جریان جنگ‌های رده دستگاه خلافت معارضان خود را کافر و خارج از دین قلمداد کرد، اما ظهور بارز این اندیشه مربوط به جریان خوارج است که از آنها به عنوان تکفیری‌های صدر اسلام نام برده می‌شود، جریانی که از یک تردید و فهم غیر صحیح درباره اقدامات امام علی علیه السلام پدیدار شده و برای اولین بار اهل قبله را تکفیر کرد (قاسمی و دیگران، ۱۳۹۷، ص ۱۷۱). در سده دوم هجری نیز جریانی به نام اهل حدیث به وجود آمد که از نظر کلامی در برابر معتزله و از نظر فقهی در برابر اهل رأی موضع گرفت. در سده هفتم و هشتم، تفکر ابن تیمیه موضوع تکفیر را تئوریزه کرد، اما مورد استقبال قرار نگرفت، تا اینکه در سده دوازدهم ق.، محمد بن عبدالوهاب این اندیشه را در نجد زنده کرد و آن را با همکاری بخشی از قبیله آل سعود و حمایت انگلیس تبدیل به یک فرقه و نظام سیاسی نمود که موجب گسترش وهابیت گردید (فیروزآبادی، ۱۳۹۳، ص ۱۶). از آن پس نیز شاهد شکل‌گیری جریان‌های مختلف تکفیری در جهان اسلام بوده‌ایم. در این میان سه شخصیت بیشترین تأثیر گذاری را در شکل‌گیری و قوام این اندیشه داشته‌اند که عبارتند از احمد بن حنبل، ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب که سه ضلع مثلث تکفیرگرایی به شمار می‌آیند؛ بنابراین پدیده مذکور سیر تکاملی از اندیشه تکفیر به عقیده و سپس رفتار عملگرایانه دارد. می‌توان نظریه‌های فقهی - کلامی احمد

بن حبل را منع اندیشه افراطی - تکفیری و نظریات و آثار کلامی - جدلی ابن تیمیه را مهم‌ترین خاستگاه عقیدتی و ایدئولوژیکی و در ادامه عینیت‌بخشی نمادین را در عملگرایی سیاسی - افراطی محمد بن عبدالوهاب به کمک قدرت نظامی محمد بن سعود و در ادامه حمایت سیاسی امپراتوری بریتانیا دانست (مزینانی و خسروپناه، ۱۳۹۴، ص ۱۱). در ادامه به اندیشه تکفیر که مبتنی بر سلفی‌گرایی است می‌پردازیم.

۳-۱. سلفیه و تکفیرگرایی

از آنجا که جریان تکفیری از دل سلفیه بیرون آمده است، شناخت جریان تکفیری بدون شناخت سلفیه امکان‌پذیر نیست. سلفی‌گری تکفیری به گرایشی از سلفیون گفته می‌شود که مخالفان خود را کافر می‌شمارند. گروه‌های تکفیری، گروه‌هایی از مسلمانان هستند که به دلیل اعتقادشان به سیره و اندیشه سلف و استفاده از حربه تکفیر در مقابل مخالفان خود به این نام نامیده می‌شوند (آگشته، ۱۳۹۶، ص ۱۵۹). جریان‌های تکفیری، به پیروی از سلفیان، از لحاظ اعتقادی خود را پیرو سلف صالح می‌دانند.

معنای اصطلاحی «سلف» در بدعتی ریشه دارد که «ابن تیمیه» در سده هفتم ایجاد کرد. ابن تیمیه معتقد است سلف کسانی هستند که در سه سده اول اسلام زندگی می‌کردند و شامل صحابه، تابعان و تابعان تابعان می‌شوند (الموتی و دیگران، ۱۳۹۷، صص ۱۴۸). مهم‌ترین دلیل سلفیه برای مشروعیت سلف، حدیث «خیره» است. مطابق این حدیث، پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: «خیر الناس قرنی ثم الذین یلونهم ثم الذین یلونهم»؛ بهترین مردم، (مردمان) سده من هستند، سپس کسانی که در پی ایشان می‌آیند و سپس دیگرانی که در پی آنان می‌آیند. ابن تیمیه با استناد به خیریت در این روایت، همه چیز این سه سده را بهتر از سده‌های دیگر می‌داند و نام آنها را «قرون فاضله» نامیده است؛ بنابراین وظیفه هر مسلمانی، بازگشت به فهم سلف صالح است. به نظر ابن تیمیه، هر کس معتقد باشد فهم اصحاب حدیث سه سده اول اسلام در باب صفات خداوند، از فهم بعدی‌ها (قرن چهارم به بعد) برتر است، سلفی و مکتبش سلفیه است. ملاک کفر نزد تکفیری‌های اعتقادی، بر محور توسل و درخواست از اموات و زیارت آنها یا به تعبیری هر عملی

است که باید برای خدا انجام شود، ولی برای غیر خداوند انجام می‌شود. مسائلی مانند نذر، قربانی و طواف در این حوزه قرار می‌گیرند. تکفیریان با تأکید بر توحید عبادی به روش نقل‌گرایی و عمل به ظواهر، کسی را موحد و مسلمان می‌دانند که در ظاهر فقط خداوند را عبادت کند و چون افعالی نظیر توسل به اموات، نذر و قربانی برخلاف این ظاهر است، حکم به تکفیر آنها می‌دهند (الموتی و دیگران، ۱۳۹۷، صص ۱۵۰). اندیشه تکفیر دارای ویژگی‌های است که در ادامه به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود.

۲-۳. ویژگی‌های اندیشه تکفیر

اولین مشخصه تأکید بر تکفیر است؛ بر اساس توحید عبادی کلمه «لا اله الا الله» بیانگر آن است که «الله» فقط موجودی که باید عبادت و پرستش شود، و عبادت غیر او شرک است؛ همچنین مهم‌ترین اصل معرفت‌شناسی سلفیه نقل‌گرایی به معنای ترجیح نقل بر عقل و مرجعیت آن به لحاظ روش‌شناختی است. ویژگی دیگر ظاهر‌گرایی است. پایه اصلی معرفت‌شناسی اسلام تکفیری بر «نص‌گرایی افراطی مبتنی بر اصالت ظاهر» استوار است (مختاری و احمدی، ۱۳۹۸، ص ۱۵). ویژگی دیگر تأکید بر جهاد با کفر به هر شکل و با هر وسیله است؛ همچنین سلفی‌گری با استفاده از تفسیر گزینشی و البته ظاهر‌گرایانه قرآن و سنت، مستعد ستیزه‌جویی است؛ از این‌رو افراط به عنوان یکی از صورت‌های پدیداری سلفی‌گری در می‌آید که حاصل افزودن بعد خشونت به آن است. ویژگی دیگر رد حرمت خودکشی است. از نظر اسلام خودکشی گناهی نابخشودنی است، در حالی که تکفیری‌ها خودکشی برای کشتن دشمنان خدا را شهادت می‌دانند (شهابی و حسین‌زاده، ۱۳۹۴، ص ۴۸). ویژگی دیگر رجوع به خلافت است. تأکید بر مفهوم خلافت و بازگرداندن خلافت اسلامی از پیامدهای اعتقاد به اندیشه پیروی از سلف صالح است. در این راستا ویژگی دیگر تفکیک دارالاسلام از دارالکفر و اصل هجرت است. این تفکیک باعث می‌شود که جریان‌های تکفیری بر مفهوم هجرت از سرزمین‌های کفر به سرزمین‌های اسلامی نیز تأکید کنند.

به لحاظ تحلیلی سازه‌انگارانه از چیستی و چگونگی اندیشه تکفیر می‌توان گفت

اسلام تکفیری نوعی سازه‌معنایی و برساخته اجتماعی به شمار می‌رود که متأثر از محرک‌های هویتی، فرهنگی و تاریخی تحکیم یافته است. بر این اساس شاخصه‌های کارگزاری اسلام افراطی در سه بخش: معانی سلفی، باورها-انگاره‌ها و هنجارهای افراطی قابل توصیف است. مبانی اندیشه و تعلقات ایدئولوژیک، مؤثرترین خاستگاه افراط‌گرایی است که به عنوان یک عنصر کارگزاری، هویت‌بخش گروه‌های تکفیری است. در سطح باورها و انگاره‌ها نیز مفاهیمی همچون بدعت و جاهلیت مطرح می‌شود که سلفی‌گری از دریچه این مفاهیم به شرایط جهان اسلام می‌نگرد؛ همچنین باورمندی به حاکمیت الهی، زیرا «اگر اسلام بخواهد نجات‌بخش باشد، باید حکومت کند» و لزوم پایبندی به امت اسلامی از جمله باورها و انگاره‌های سلفی است. دست‌آخر هنجارهای نهادینه‌شده در تعیین هویت افراطی نقشی کلیدی هستند که خود بر پیشینه‌ای از عوامل ذهنی گذشته مبتنی است (آدمی و مرادی، ۱۳۹۶، ص ۲۳۳).

۴. گسترش اندیشه تکفیر در دوره معاصر بر مبنای علل و عوامل درونی جهان اسلام

این بحث دو قسمت دارد. قسمت اول مربوط به شرایط محیطی است. در بحث دوم ایدئولوژی و مفاهیم مقدس است. البته این مفاهیم در ذات خود در جهان اسلام مفاهیمی مقدس به شمار می‌آیند، ولی در اندیشه تکفیر این مفاهیم از اصالت خود منحرف شده و تکفیریان با سوء برداشت از برخی ارزش‌های اسلامی و همچنین شرایطی مانند جهل، ناآگاهی، فقر و با استفاده از آموزش و تبلیغات، این امکان را یافتند تا این مفاهیم را در جهت اهداف سیاسی-ایدئولوژیک خود ایده‌سازی نموده و به جذب مخاطب اقدام کنند.

۴-۱. عوامل محیطی و اجتماعی تأثیرگذار بر گسترش اندیشه تکفیر

یکی از مهم‌ترین عوامل و شرایط محیطی حاکم بر وضعیت کشورهای خاورمیانه شرایط اجتماعی و سیاسی این کشورهاست که زمینه را برای رشد اندیشه تکفیر در این منطقه فراهم آورده است.

۴-۱-۱. آشفتگی اجتماعی و سیاسی در خاورمیانه

در این زمینه به نظر می‌رسد مؤلفه‌هایی از قبیل شکنندگی اجتماعی، سنت‌های پایدار و انعطاف‌ناپذیر مذهبی، تعصب قبیله‌ای و سلحشوری عشیره‌ای، سختگیری اخلاقی، کشمکش‌های قومی، ملی و مذهبی نقش مهمی ایفا می‌کنند (قراگوزلو، ۱۳۸۲، ص ۳۰). وقتی این شرایط ایجاد شود، اندیشه‌های سلفی-تکفیری در پی نوعی معنابخشی به عرصه‌های شخصی زندگی و اهداف فرامادی هستند. ریچارد هرایر دکمجیان^۱ در کتاب جنبش‌های اسلامی در دنیای معاصر، یک رابطه علی و دورانی میان بحران در جهان اسلام و خیزش‌های بنیادگرایی تکفیری ترسیم می‌کند: یک الگوی تجربه تاریخی در این مورد، رابطه علی و معلولی میان بحران‌های اجتماعی و ظهور جنبش‌های مذهبی تجدید حیات‌طلبانه است که خواستار از بین بردن نظم موجود و ساختن جامعه‌ای نوین بر پایه ایدئولوژی ویژه خود هستند. در نتیجه، ایدئولوژی این جنبش‌ها هم جامع و هم غیرقابل انعطاف و منعکس‌کننده پاسخ‌ها و عکس‌العمل‌های رهبران فرهمند در قبال شرایط بحرانی است؛ بنابراین تصادفی نیست که جنبش‌های بنیادگرایانه دارای زمینه‌های سیاسی-فرهنگی مختلف، هنگامی توازن قدرت معنوی، اجتماعی و سیاسی را به دست آورده‌اند که دو شرط ملازم یکدیگر در جامعه به وجود آمده باشد؛ اول وجود یک رهبر فرهمند و دوم جامعه‌ای که عمیقاً دچار آشفتگی باشد (دکمجیان، ۱۳۷۷، ص ۵۵).

در عمل نیز محیط اجتماعی و سیاسی کشورهایی که در آنها رفتار اسلام‌گرایان به خشونت گرایش دارد؛ پیچیدگی‌های خاص خودشان را دارند؛ دلایل آن، ویژگی‌های قومی و قبیله‌ای بودن ساختار اجتماعی این کشورها (افغانستان، پاکستان، عراق، سوریه و...)، دخالت نظامیان در امور سیاسی و منازعات مذهبی توأم با رقابت‌های قبیله‌ای است. چنین محیط اجتماعی همراه با دخالت‌های قدرت‌های خارجی، محیط مناسبی را برای رشد سلفی‌گری و گرایش به افراطی‌گری در خاورمیانه را فراهم کرده است (سوری، ۱۳۹۷، ص ۴۶). در بسیاری از موارد خلأ قدرت و نبود اقتدار مرکزی در یک کشور، باعث

1. Richard Dekmejian

ایجاد آشفته‌گی‌های زیادی شده و از درون آن گروه‌های افراطی سر بر می‌آورند؛ برای مثال بی‌ثباتی، جنگ داخلی و ناتوانی ارتش سوریه در مهار کامل بحران، همچنین در عراق، زمینه‌های گسترش بی‌نظمی داخلی و پویش‌های گروه‌های افراطی-تکفیری را فراهم آورد (علی‌پور و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۱۹۹)؛ در هر صورت عوامل محیطی مانند هرج و مرج و بی‌ثباتی و نبود اقتدار که منجر به ایجاد نظم شود، زمینه را برای رشد اندیشه تکفیر و ترویج آن فراهم می‌کند.

۴-۱-۲. شرایط اجتماعی و فرهنگی مسلمانان

از مهم‌ترین این شرایط می‌توان به فقر اقتصادی و جهل ناشی از بی‌سوادی و ناآگاهی افرادی اشاره کرد که به اندیشه تکفیر گرایش پیدا می‌کنند. در ابتدا اثرات فقر و ضعف اقتصادی بر گسترش اندیشه تکفیر بررسی می‌شود.

بحران اقتصادی در برخی از کشورهای عربی موجی از بیکاری و فقر اجتماعی را در پی داشته است. فقر موجب گرایش افراد بیکار و فقیر به اندیشه‌های افراطی-تکفیری شده است. به گزارش بانک جهانی در فوریه ۲۰۱۷، «محرومیت جوانان در جهان عرب و به‌ویژه در خاورمیانه، به همراه بی‌اعتمادی به مقامات حکومت، به روند رادیکال‌شدن این جوانان سرعت بخشیده و جذب آنها در گروه‌های شبه‌نظامی را تسهیل کرده بود». اصلی‌ترین نیروهای انسانی که جذب گروه‌های تندروی اسلامی می‌شوند، از کشورهای فقیر مانند پاکستان و افغانستان سر بر می‌آورند. چنین کسانی برای ایفای نقش در قالب ستیزه‌جویان انتحاری بسیار مستعدند (نصیرزاده و گودرزی، ۱۳۹۶، ص ۱۹۹).

بدین ترتیب از عوامل ریشه‌ای گسترش اندیشه و جریان‌ات تکفیری می‌توان به توسعه‌نیافتگی، عقب‌ماندگی، محرومیت، کمبود امکانات و فقر مالی توده‌های مردم اشاره کرد؛ به گونه‌ای که بخش قابل توجهی از قربانیان جهاد نکاح و شرکت کنندگان در عملیات‌ها، کسانی هستند که با دریافت پول و امکانات به این امور تن می‌دهند؛ همچنین بسیاری از جوانان که با فقر، بیکاری و بی‌سوادی دست و پنجه نرم می‌کنند، جذب گروه‌های افراطی می‌شوند (فراستی، ۱۳۹۶، ص ۱۰۳). مسئله بعد که به نوعی با مسئله

فقر مرتبط است، فقر آگاهی و دانش است. آموزش و تبلیغات ابزار و روش مناسبی برای همراه کردن افراد ناآگاه با اهداف ایدئولوژیک تکفیریان است. به هم پیوستگی جهل، ناآگاهی، فقر، تبلیغات و آموزش شرایط و موقیعت خوبی برای تکفیریان به منظور جذب افراد مورد نیاز فراهم کرد.

یکی از مواردی که جریانات تکفیری، به ویژه برای انجام عملیات‌های انتحاری در نظر دارند کودکان می‌باشند. این جریانات با آموزش کودکان و تلقین نوع خاصی از آرمان‌ها و اعتقادات، آنها را برای انجام این مأموریت‌ها آماده می‌کنند. در این زمینه گفته شده که اعتقادات درونی در یک نظام فکری ایدئولوژیک به صورت شهودی و متصلب تحقق می‌یابد و به تمام تردیدها پایان می‌دهد؛ افزون بر این باور افراط‌گرایان به ناعادلانه بودن مناسبات سیاسی-اجتماعی، چهره‌ای مظلوم و ستم‌دیده را نزد خودشان تداعی کرده که هرچه بیشتر آنان را به ارتکاب جنایت برای بازپس‌گیری حقوق از دست‌رفته‌شان ترغیب می‌کند (دانش‌آرا و سجادی، ۱۳۹۸، ص ۲۹۹).

به طور کلی، نبود آگاهی سیاسی، یکی از عوامل نشر تفکرات تکفیری است؛ برای نمونه در برخی کشورها مانند کشورهای آسیای میانه، یکی از دلایل گرایش مردم به داعش این است که این افراد دانش اسلامی ندارند و اطلاعات دینی را از گروه‌های افراطی می‌گیرند. برای مثال، در تاجیکستان عملاً گرفتن معلومات دینی ممنوع شده و تبلیغات داعش در این رابطه در شبکه‌های اجتماعی بی‌تأثیر نبوده است. مؤمن شعر، تحلیل‌گر مقیم شهر دوشنبه در این باره می‌گوید: «عامل پیوستن جوانان تاجیک به گروه داعش تنها فقر، بیکاری و مهاجرت نیست، بلکه مشاهده شده، جوانانی که زندگی خوبی هم داشته‌اند، به گروه داعش پیوسته‌اند. این افراد تحت تأثیر تبلیغات داعش قرار گرفتند» (فراستی، ۱۳۹۶، ص ۱۰۳). افراد زیادی نیز تحت آموزش‌های خاصی قرار می‌گیرند؛ برای نمونه امروزه در مدارس مذهبی عربستان و پاکستان و ... اعتقادات وهابی تکفیری آموزش داده می‌شود؛ همچنین اولین اقدامی که از سوی داعش در مناطق تصرف شده صورت می‌پذیرد تبلیغ و آموزش است. به این اقدامات در اصطلاح «دعوت» می‌گویند. هدف جلسات دعوت آشناساختن مردم با اسلام سلفی و جهادی است که ایدئولوژی

سازمان را تشکیل می‌دهد (طارمی، ۱۳۹۴، ص ۱۹۱)؛ بدین ترتیب آموزش این افراد نه تنها بر آگاهی آنها نمی‌افزاید، بلکه باعث جهل بیشتر و تعصبات افزون‌تری می‌گردد. این مسئله باعث ترویج هر چه بیشتر اندیشه‌های تکفیری بین افراد می‌شود.

۲-۴. عوامل ایدئولوژیک و تقدس مفاهیم تکفیری

علاوه بر مسائل بالا، می‌توان به ساختارهای ایدئولوژیک مفاهیمی اشاره کرد که در اندیشه تکفیری تبلیغ می‌شود و در بین حامیان آنها دارای تقدس و مشروعیت است.

۲-۴-۱. تقدس واژه جهاد

رهبران گروه‌ها و جنبش‌های مذهبی نظرات خاصی در باره جهاد دارند. حسن‌البناء، بنیانگذار اخوان‌المسلمین، معتقد است که بیشتر دانشمندان اسلامی موافقت دارند که جهاد یک وظیفه دفاعی برای امت اسلامی است تا دعوت خود را گسترش دهند؛ همچنین تعهد فردی برای دفع حملات کافران است (محمدیان و ترابی، ۱۳۹۴، ص ۲۳۸). ابن تیمیه با اولی دانستن جهاد از حج، نماز و روزه، آن را جزء ارکان اصلی دین اعلام کرد و فرار از جهاد را به مثابه کفر دانست (علویان و گرشاسبی، ۱۳۹۵، ص ۱۲۵). سلفی‌های تکفیری در نظرهای فقهی مرتبط با جهاد به طور عمده تابع یا متأثر از عقاید ابن تیمیه هستند که جهاد علیه کفار، منافقان و مشرکان را واجب می‌داند و خون آنها را حلال شمرده است. وهابیت با گسترش مفهوم جهاد، شمار زیادی از مسلمانان سنی را نیز مشمول این حکم دانست (علی‌پور و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۴۹). جهاد اساسی‌ترین راهکار تکفیریان برای دستیابی به اهداف مورد نظرشان از جمله تشکیل حکومت اسلامی است. رونالد جاکارد^۱ نویسنده فرانسوی، به نقل از اسامه بن لادن در مورد اهمیت جهاد مقدس در افغانستان می‌نویسد: «یک روز جهاد در افغانستان مساوی با هزار رکعت نماز در مسجد است» (نساج و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۱۹۲). داعشی‌ها نیز از جهاد به عنوان رکن ششم

1. Ronald Jakard

دین یاد می کنند (علی پور و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۲۱۸)؛ بدین ترتیب با تبلیغ مفهوم جهاد که واژه‌ای مشروع و مقدس است، افراد زیادی جذب جریانات تکفیری شدند. در صورتی که واژه جهاد در فقه شیعی دارای شرایطی مانند «حضور یا اذن معصوم و یا نماینده ایشان» است و تفاوت‌های خاصی با جهاد در فقه کلاسیک اهل سنت دارد؛ همچنین جهاد در رکاب حاکمان جائز منتفی است. این در حالی است که جریان تکفیری می‌کوشد که جهاد را به مهم‌ترین و اصلی‌ترین مسئله مسلمانان تبدیل کند. تکفیری‌ها پس از آنکه مسلمانان غیرسلفی و دیگران را در جرگه کفار قرار دادند، کشتن آنها را بر خود فریضه می‌دانند. آنها این کشتار را جهاد معرفی کرده‌اند (قانع و دیگران، ۱۳۹۹، ص ۲۷۲).

بدین ترتیب مشخص است که چگونه مفاهیم برساخته می‌شود و به صورت بیناذهنی به دیگران منتقل می‌شود. در رویکرد سازه‌نگاری هر قدر برداشت‌های تعریف شده از مفاهیم از مشروعیت بیشتری برخوردار باشد، احتمال بیشتری برای پذیرش آن وجود دارد. در اندیشه تکفیر نیز اگرچه جهاد از شرایط اولیه و اصلی خود دور شده و به مفهومی انحرافی تبدیل شده، ولی تکفیریان توانسته‌اند این مفهوم را در اذهان و اندیشه پیروان خود تقدس بخشند؛ بدین ترتیب منافع، اهداف و اولویت‌های افراد در زندگی تغییر پیدا می‌کند. بدین گونه هویت دینی افراد جایگزین هویت‌های ملی، قومی و زبانی شده و به صورت یکپارچه در می‌آید. این مسئله‌ای مهم است که افرادی که به جریانات تکفیری می‌پیوندند از ملیت‌های گوناگون هستند؛ زیرا همه این افراد در پی یک هدف و یک آرمان در حرکت‌اند؛ بدین ترتیب در معانی و واقعیاتی که برساخته شده است معانی دوست و دشمن نیز تغییر پیدا می‌کند و ممکن است این افراد علیه دولت متبوع خود نیز اقداماتی در قالب دشمن انجام دهند.

۴-۲-۲. تقدس واژه خلافت

خلافت که پس از رحلت پیامبر اسلام ﷺ و بر مبنای اندیشه اهل سنت تأسیس شد، تا سقوط امپراطور عثمانی در ۱۹۲۴ به عنوان آخرین خلافت اسلامی، تداوم یافت. فروپاشی نهاد خلافت در این تاریخ سرخوردگی عامه مسلمانان به‌ویژه اهل سنت را در

پی داشت. در چنین شرایطی، تشکیل حکومت اسلامی در برابر دولت‌های غربی در بین گروه‌ها و شخصیت‌های مختلف مسلمان به آرمانی تبدیل شد که از آن در برخی از سخنان سلفیون به «آرمانی آواره» تعبیر شد. در این آرمان، خلافت، حکومتی است که سلف صالح در روزگار خود آن را بر دیگر شکل‌های دولت برگزید و در درون آن توانست به اجرای شریعت پردازد. اما امروزه به دلیل ظهور مرزهای ملی و دوری مسلمانان از شریعت اسلام، این شکل از دولت به یک آرمان تبدیل شده است. هر کس آن را از آوارگی درآورد، بر دیگر مؤمنان واجب است از آن حمایت کند (فراتی، ۱۳۹۶، ص ۱۰۲). تأکید بر مفهوم خلافت و بازگرداندن خلافت اسلامی از پیامدهای اعتقاد به اندیشه پیروی از سلف صالح است. از نظر سلفیان جدید، خلافت موجب حراست از دین و دنیا است. این امر با اصل «الانقلابیه» که به معنی طرد کامل جوامع جاهلی است، محقق می‌شود؛ همچنین اصل انقلابیه، به معنای ایجاد تغییر در عرصه‌های مختلف زندگی است؛ بنابراین، همه سازمان‌ها و جوامع ملی و بین‌المللی امروزی به دلیل داشتن مبانی غیر اسلامی جاهلی به شمار آمده، شایسته طرد تلقی می‌شوند (مرادزاده و شاکری‌خوئی، ۱۳۹۵، ص ۱۱۶).

گروه‌ها و جریان‌های تکفیری در دوره معاصر تلاش کرده‌اند از این مفاهیم که در بین مسلمانان دارای بار مثبت روانی و تقدس فراوانی است سوء استفاده کنند؛ برای نمونه کاری که داعش انجام داد و بر اساس روایات آخرالزمان، بخشی از سوریه و عراق را مأوای خلافت قرار داد، به نوعی از آوارگی درآوردن خلافت بود. خلافت مجازی قبل از تحقق عینی آن، در بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۲ در اینترنت بر اساس حدیثی منسوب به پیامبر اسلام ﷺ شکل گرفت: «همانا اسلام غریب متولد شد و در آینده نیز غریب خواهد بود و خوشا به حال غریبان. پرسیدند غریبان کیستند؟ فرمود: کسانی که از قبایل خود کنده می‌شوند». واژه کانونی این حدیث، یعنی «غریب» با بار مثبت نزد جهادیون استفاده شد و توانست بسیاری از آنان را به خود جذب کند. غریبانی کسانی هستند که نخستین بار در اروپا و امریکا از سوی غیرمسلمانان تحقیر و از آن پس به «غریبه» موسوم شدند (فراتی، ۱۳۹۶، صص ۱۰۲-۱۰۳).

تفکر داعش و همراهی آن با باور قوم‌گرایانه بعثی و ادعای خلافت اسلامی آنان یادآور عهد عباسی است. «ابوبکر البغدادی القریشی الحسینی» در رؤیای رسیدن به دوره جدید از خلافت است، آن هم از جنس عباسیان که اطلاق «بغدادی‌اش» ریشه در آن دارد. منطقی وی در انتخاب نام «ابوبکر» خلیفه نخست، برای پیوند دادن خود به عهد خلافت نخستین اسلامی نزد اهل سنت و جماعت است. «قریشی» دانستن با هدف طرح صلاحیت برای تصدی امور حرمین شریفین است. سرانجام «حسینی» بودن خود را با توجه به تأثیرگذاری بر شیعیان عراق برگزیده است (جهانگیری و دیگران، ۱۳۹۹، ص ۵۱). تکفیری‌ها بر اساس معانی‌ای که چیزها و دیگر کنشگران برای آنها تولید می‌کنند عمل می‌نمایند. همان طور که سازه‌انگاران عقاید و ذهن را کلید اصلی ساخت و شناخت رفتار سیاسی قرار می‌دهند و بر این باورند که خاستگاه و انگیزه رفتارهای سیاسی افراد، از ساختار ذهنی و درک آنها از محیط پیرامون نشئت می‌گیرد، باید رفتار سلفی‌های تکفیری را نیز بر این مبنا تبیین کرد. جهان سلفی‌های تکفیری نیز بر اساس معانی مقدسی مانند جهاد و خلافت معنادار شده است. هویتی که بر این اساس برای آنها ساخته شده کنش رفتاری آنها را سامان می‌دهد؛ بدین گونه تکفیری‌های داعشی توانسته‌اند افراد زیادی از مسلمانان و غیرمسلمانان را در منظومه معنایی خود گرد آورند و آنها را در یک جهت سازماندهی کنند.

۳-۲-۴. مفهوم هجرت

واژه مقدس دیگری که با واژه‌های دیگری مانند جهاد و خلافت ساماندهی می‌شود واژه هجرت است. اگر اندیشه تکفیر به رویه سلف ارجاع می‌دهد و با توسل به جهاد در صدد احیای خلافت اسلامی است، می‌بایست افرادی که در دیگر نقاط زندگی می‌کنند به مناطقی که تحت اشغال و نفوذ آنها قرار دارد هجرت کنند. این امر در مورد جریان‌های مختلف تکفیری، به‌ویژه داعش مسئله‌ای مشهود است.

در چارچوب گفتمانی داعش، غیریت‌سازی امری بنیادین است. آنها جهان را به دو دسته دارالاسلام و دارالکفر تقسیم می‌کنند. از نظر آنها هر جا که حاکم بر اساس سنت

سلف صالح انتخاب شده باشد و قوانین اسلامی ساری و جاری باشد، آنجا دارالاسلام است، هرچند بیشتر مردم آن کشور کافر باشند و هر جایی که قوانین آن بر اساس احکام اسلامی نباشد و حاکم غیر از شیوه انتخابی خلفای راشدین انتخاب شده باشند، دارالکفر است. ابوبکر البغدادی با تقسیم جهان به دو بخش دارالاسلام و دارالکفر، دارالاسلام را مناطق تحت اشغال داعش در شام و عراق دانست و مسلمانان را به هجرت به این منطقه دعوت کرد. ابوبکر البغدادی در این زمینه گفت: «در هر جا که هستید، نخستین اولویت، هجرت به دولت اسلامی است. از دارالکفر به دارالاسلام. ... به همراه خانواده، خواهران و برادران، همسران و فرزندان، بشتابید به سوی دولت اسلامی، در اینجا مکان‌هایی برای زندگی شما و خانواده‌تان در نظر گرفته شده است» (فراتی، ۱۳۹۶، ص ۱۰۸). این نگاه باعث شد که افراد زیادی در سراسر جهان، به ویژه کشورهای اسلامی خاورمیانه به آنها پیوندند و شاهد شکل‌گیری دولت اسلامی عراق باشیم. مفهوم شهادت نیز نشان می‌دهد که چگونه معانی بیناذهنی و تفاسیر از جهان هستی در شکل دادن به رفتار و کنش افراد نقش ایفا می‌کنند.

۴-۲-۴. مفهوم شهادت در اندیشه تکفیری

مفهوم شهادت در اندیشه تکفیری با مفهوم جهاد وابستگی خاصی دارد، تا جایی که بیشتر به جای واژه شهادت از واژه جهاد استفاده می‌شود. در هر صورت مفهوم شهادت باعث می‌شود که افراد زیادی با انجام عملیات‌های انتحاری جان خود را از دست بدهند و در راه اهداف و آرمان‌هایی که به آنها القا شده است به ترور دیگران دست بزنند. عمل انتحاری، نوعی توسل به اقدامی واقعی است که با القانات ایدئولوژیکی به شکلی نمادین انجام می‌گیرد (زنگنه و حمیدی، ۱۳۹۵، ص ۱۳۶). در مقابل، عملیات استشهادی در معنای عام آن به عملی گفته می‌شود که فرد به قصد قربت، با یقین به کشته‌شدن، برای ضربه‌زدن به دشمن و نداشتن راه دیگر، به این عمل مبادرت ورزیده، در این راه کشته می‌شود؛ بنابراین منابع شیعه تفاوت‌های بنیادی میان عملیات انتحاری و استشهادی قائل شده و ضمن تحریم ترور و عملیات انتحاری، تفسیر خاصی از ماهیت و حدود عملیات

استشهادی ارائه داده‌اند (غفاری‌هشجین و عزیزاده‌سیلاب، ۱۳۹۳، صص ۱۰۳-۱۰۴). گروه‌های تکفیری مختلف مانند القاعده و داعش از عملیات‌های انتحاری به صورت گسترده‌ای برای ایجاد وحشت و همچنین از بین بردن مخالفین و به عنوان حربه‌ای در جهت جذب جوانان پر شور در نقاط مختلف جهان استفاده کرده‌اند.

داعشی‌ها برای آماده کردن افراد و پیروان خود، به‌ویژه کودکان، آنها را تحت آموزش‌های مذهبی و اعتقادی شدیدی قرار می‌دهد. گروه داعش از رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی و نقش مهمی که اینترنت در القاء، انتخاب و تعلیم شهادت‌طلبی به انسان‌ها دارد، بهره‌گیری کرده است. بر مبنای رویکرد سازه‌انگاری نیز می‌توان گفت ظرفیت انسان در بیان مفاهیم و یا آموزش وی، تأثیر زیادی بر شیوه تعریف وی از دنیای مادی و درک و تجربه محیط پیرامون می‌گذارد. در این مسیر انگاره‌ها، عقاید و آرمان‌ها مهمتر از منافع مادی تلقی می‌شوند؛ بدین ترتیب مشخص می‌شود که عواملی مانند آموزش و تبلیغات نقش زیادی در شکل دادن به ذهنیات، افکار، ایدئولوژی و منافع افراد دارد. تبادل بین الأدهانی معانی و مفاهیم باعث شکل‌گیری هویت و منافع کشگران می‌شود. تکفیریان نیز با سوء استفاده از شرایطی که در جوامع اسلامی به لحاظ اقتصادی، اجتماعی و سیاسی وجود داشت، و با بهره‌گیری از تبلیغات و آموزش توانستند باورهای اصیل اسلامی از مفاهیم مقدس را به باورهای انحرافی تبدیل و در اذهان پیروان خود به مشروعیت و تقدس برسانند. مجموع این شرایط و ابزار در جهت جذب پیروان تکفیریان مؤثر واقع شد؛ به گونه‌ای که پیروان آنها با القای این مفاهیم به عنوان مفاهیمی مقدس در اذهان و قلوب خود، واقعیات جهان هستی را در جهت امیال و اهداف تکفیریان درک و تفسیر می‌کنند تا جایی که حاضرند در این مسیر جان خود را نیز فدا کنند.

نتیجه‌گیری

سلفیه اصطلاح نوظهوری در تاریخ اندیشه اسلامی است که گروهی از اهل حدیث و پیروان، احمد بن حنبل، ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب برای خود برگزیده‌اند. اینان در روش شناخت نقل‌گرا و در فهم نقل، ظاهرگرا هستند، عقل را شایسته فهم مسائل الهی

نمی‌دانند، رسالتشان را تنها در فهم درست سخنان سلف می‌دانند. ریشه‌های فکری وهابیت را باید در اندیشه‌های ابن تیمیه جستجو کرد. در زمان محمد بن عبدالوهاب، شرایط اجتماعی و فرهنگی نجد و پیوند او با قدرت سیاسی آل سعود، باعث گسترش این تفکر شد. از آن پس گروه‌های تکفیری مختلفی ظهور و رشد کردند. در چند دهه گذشته گروه‌های تکفیری مختلفی مانند القاعده و طالبان و جریاناتی مانند داعش ظهور کرده و در سطح وسیعی گسترش پیدا کردند. این مسئله باعث شد تا مسئله چرایی این رشد و گسترش مطرح شود. این مسئله که بدون حمایت خارجی امکان رشد این جریانات اندک است مسئله‌ای مهم است؛ ولی باید شرایط درونی جهان اسلام را نیز از جمله عوامل مهم رشد و گسترش اندیشه تکفیر و جریان‌های تکفیری دانست. موارد محیطی مانند بی‌ثباتی، تفرقه، فقر، جهل و ناآگاهی مخاطبان و عوامل ارزشی و ایدئولوژیک مانند تقدس واژه‌هایی که تکفیریان بر آنها انگشت می‌گذارند؛ به‌ویژه واژه‌هایی مانند رجوع به سلف صالح، جهاد، خلافت، هجرت، شهادت و غیره باعث مشروعیت این مفاهیم و نشر این عقاید و اندیشه تکفیری شده است. نظریه پردازان و رهبران تکفیری از مهم‌ترین واژه‌ها و مفاهیم مقدس در جهان اسلام برای جذب مخاطبان خود سوء استفاده کردند. با مقایسه ویژگی‌های این مفاهیم در صدر اسلام و در اندیشه و عمل تکفیریان، می‌توان به تفاوت اساسی آنها پی برد. تکفیریان توانستند این مفاهیم را از دایره مفاهیم مقدس اولیه اسلامی دور کنند و با تبلیغات، آموزش، پاداش‌های اقتصادی و دیگر ابزارها به مخاطبان خود این گونه القا کنند که این مفاهیم از اصالت و تقدس اولیه و ذاتی برخوردار بوده و آنها در پی بازگرداندن شرایط صدر اسلام و عمل به احکام و آموزه‌های اولیه و اصیل اسلامی هستند؛ از این رو این واژه‌ها و مفاهیم در اذهان پیروان مشروعیت یافته و آنها را به خود جذب کرد. البته تمام این موارد به گونه‌ای با هم مرتبط بوده و یکدیگر را تقویت می‌کنند؛ برای نمونه ناآگاهی و جهل افراد باعث تعصب آنها به مفاهیم مقدس و سواستفاده جریانات تکفیری شده تا حدی که حاضرند در این راه جان خود را فدا کنند. مباحث ارزشی و هویتی باعث شد تا با استفاده از رویکرد سازه‌انگاری که بر ایدئولوژی، ارزش‌ها، هویت و مفاهیم

بین‌ذهنی تأکید می‌کند، مباحث تحلیل شوند. به طور کلی می‌توان گفت در دوران اندیشه تکفیر مفاهیمی وجود دارد که عالمان تکفیری نظریه‌پردازی کرده و به پیروان خود القا کرده‌اند. از آنجا که این مفاهیم در جهان اسلام دارای تقدس و ویژه‌ای است و بار مثبت و مشروع ذهنی دارد افراد زیادی به آن گرایش پیدا کرده‌اند.

بدین ترتیب می‌توان به نقش عوامل ایدئولوژیک، هویتی و ارزشی در ترویج و گسترش اندیشه تکفیر پی برد. بر مبنای رویکرد سازه‌انگارانه، واقعیت‌ها برساخته می‌شوند. مفاهیمی مانند شکل‌گیری خلافت، این زمینه را در اذهان پیروان اندیشه تکفیر شکل داد که سرزمین‌های اسلامی تحت لوای خلافت شکل گرفته‌اند و آنها باید به آن سرزمین هجرت کنند. در این بین معانی بین‌الذهانی بین پیروان آنها به واقعیات سمت و سو داد. این افراد هویت خود را در قالب مسلمانانی دیدند که در درون خلافت اسلامی می‌بایست با کافران جهاد کنند و اگر در این راه کشته شوند، شهید محسوب می‌شوند؛ بنابراین این هویت است که به کنش‌ها شکل می‌دهد و منافع را ایجاد می‌کند. همین هویت سلفی-تکفیری باعث شد تا کشورهایمانند عربستان سعودی نیز از اندیشه تکفیر و گروه‌ها و جریانات تکفیری حمایت کند و همین هویت‌های متضاد بود که این جریانات را در برابر شیعیان قرار داد و باعث تقابل آنها به‌ویژه با جمهوری اسلامی ایران گردید.

البته جریان‌های اصلاح‌طلب سلفی-تکفیری هرچند با کلی‌گویی و استفاده از ادبیات دینی و با بهره‌گیری از بحران‌های موجود در جهان اسلام امکان بسیج گسترده‌تری از توده‌ها را در جهت مبارزه با نظام‌های موجود دارند، به دلیل عقل‌گریزی، اندیشه‌های ژرفی ندارند و توانایی یافتن راه‌حل و الگوی جایگزین برای نظام‌های موجود را ندارند. آنها از یک سو با فقدان الگوی بدیل و به چالش کشیدن وضع موجود و با ایجاد شکاف و شقاق بین مسلمانان و فتوا و تکفیر علیه برخی مسلمانان، انسجام و وحدت جهان اسلام را به چالش کشیده و از سوی دیگر با مخالفت با همه مظاهر تمدن، مسلمانان را دچار انزوا کرده و موجب تحقیر آنها می‌گردند؛ همچنین با اقدامات خشن و گسترش خشونت علیه انسان‌ها، شرایط را برای تشدید فشار علیه جوامع اسلامی در ابعاد مختلف

فراهم می‌آورند. تجربه این گروه از جمله در دوران طالبان در افغانستان و حضور داعش در عراق و سوریه این ادعا را تأیید می‌کند؛ بنابراین اگرچه بیشتر عوامل نشر و ترویج گسترش اندیشه تکفیر از درون جامعه اسلامی برخاسته است، راه حل و درمان آن نیز درونی است. در این راستا در لزوم رویارویی صحیح و روشن ساختن تمایزات این قرائت تکفیری از اسلام، با اسلام ناب هیچ شک و تردیدی وجود ندارد. مشخص است که لازمه رویارویی صحیح و کارآمد با هر پدیده‌ای، شناخت دقیق و صحیح و پی‌بردن به زمینه‌ها و بستر رشد و عوامل شتاب‌زای آن پدیده می‌باشد؛ بنابراین لازم است ضمن بررسی چگونگی شکل‌گیری، اصول، مفروضات و ایدئولوژی پدیده تکفیر‌گرایی، به عوامل و چگونگی رشد و ترویج این پدیده نیز توجه و با آن مقابله شود. در هر صورت اندیشه تکفیر‌گرایی یک اندیشه و ایدئولوژی است که از کج‌فهمی و بدفهمی به دست آمده است. به نظر می‌رسد در درجه اول باید با ابزار اندیشه، تعقل و استدلال و با رویکردی فرهنگی به مقابله با این تفکر پرداخت و ریشه‌های آن را خشکاند. مقابله سخت و ابزار نظامی ضمن به هدر دادن سرمایه‌های اقتصادی، فرهنگی و انسانی مختلف، توان ریشه‌کن‌سازی و مقابله بنیادین با این ایدئولوژی را ندارد و تنها به صورت مقطعی می‌توان شاهد پیروزی و موفقیت بود.

فهرست منابع

۱. آدمی، علی؛ مرادی، عبدالله. (۱۳۹۶). ساختار نظام بین‌الملل و هویت‌یابی اسلام تکفیری. پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۶(۲۳)، صص ۲۳۰-۲۵۸.
۲. آگشته، محمدرضا. (۱۳۹۶). تبیین و شناخت مبنای تفکر تکفیر در عقاید گروه‌های تکفیری. علوم و فنون نظامی، ۱۳(۴۱)، صص ۱۵۹-۱۸۱.
۳. برجیل، اسکات؛ لینکلتر، اندرو؛ پترسن، ماتیو و دانلی، جک. (۱۳۹۲). نظریه‌های روابط بین‌الملل (مترجم: سجاد حیدری فرد). تهران: جهاد دانشگاهی.
۴. جهانگیری، سعید؛ گروسی، ناصر؛ بیات، اسماعیل و سعیدی، فرید. (۱۳۹۹). بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری گروه‌های تکفیری در غرب آسیا (ابعاد و رویکردها). مطالعات منافع ملی، ۶(۲۱)، صص ۴۳-۵۷.
۵. دانش‌آرا، سجاد؛ کاظمی، سیدسجاد. (۱۳۹۸). تکفیر؛ از پیشگیری رشدمدار تا توجیه فلسفی جرم‌انگاری. مطالعات حقوقی معاصر، ۱۰(۱۹)، صص ۲۹۵-۳۱۶.
۶. دکموجیان، هریر. (۱۳۷۷). اسلام در انقلاب: جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب (بررسی پدیده بنیادگرایی اسلامی) (مترجم: حمید احمدی). تهران: کیهان.
۷. رجائی، یدالله؛ جلیلی، محمود. (۱۳۸۹). مقدمه‌ای به مطالعات کمی در مدیریت. مطالعات کمی در مدیریت، ۱(۱)، صص ۱-۱۰.
۸. رفیع، حسین. (۱۳۹۴). تأثیر نفوذ وهابیت در پاکستان بر روابط این کشور با جمهوری اسلامی ایران. مطالعات روابط بین‌الملل، ۸(۳۲)، صص ۱۷۷-۲۱۱.
۹. زنگنه، پیمان؛ حمیدی، سمیه. (۱۳۹۵). بازکاوری روان‌شناختی کنش گروه‌های سلفی-تکفیری: مطالعه موردی داعش. پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۶(۳)، صص ۱۲۱-۱۴۴.
۱۰. سوری، حسن. (۱۳۹۷). مبانی گسست در الگوی سنتی جنبش‌های سلفی در خاورمیانه. پژوهشنامه اندیشه معاصر، ۱(۱)، صص ۲۴-۵۴.

۱۱. شهابی، روح‌الله؛ حسین زاده، علی. (۱۳۹۴). چیستی و چگونگی شکل‌گیری جریان‌های جهادی-تکفیری. پژوهش‌های سیاسی، ۵(۱۲)، صص ۲۶-۵۱.
۱۲. طارمی، کامران. (۱۳۹۴). تحلیلی بر عوامل پیدایش و رشد سریع دولت اسلامی در سوریه و عراق. پژوهشنامه روابط بین‌الملل، ۸(۳۰)، صص ۱۷۲-۲۱۴.
۱۳. علویان، مرتضی؛ گرشاسبی، رضا. (۱۳۹۵). تحلیل گفتمانی نقش دستگاه استنباطی گروه‌های تکفیری بر عملکرد آنها. مجله پژوهش‌های سیاست اسلامی، ۴(۹)، صص ۱۱۵-۱۳۴.
۱۴. علی‌پور، جواد؛ قیطاسی، سجاد و دارابی، مهدی. (۱۳۹۶). تأثیر اندیشه‌های ابن تیمیه بر خطوط فکری و خط‌مشی گروه‌های سلفی-تکفیری. اندیشه سیاسی در اسلام، ۴(۱۲)، صص ۳۵-۶۲.
۱۵. علی‌پور، عباس؛ حیدری، جهانگیر و فعلی، امین. (۱۳۹۳). عوامل درونی و بیرونی مؤثر بر گسترش جریان‌های تکفیری در جنوب غرب آسیا. آفاق امنیت، ۷(۲۳)، صص ۱۹۷-۲۲۷.
۱۶. غفاری‌هشتجین، زاهد؛ عزیززاده سیلاب، قدسی. (۱۳۹۳). مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی جریان تکفیری (مطالعه موردی داعش). مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۳(۱۱)، صص ۸۹-۱۱۲.
۱۷. فراتی، عبدالوهاب. (۱۳۹۶). ایدئولوژی تکفیر؛ سرشت و راهبرد مواجهه با آن. فصلنامه علوم سیاسی، ۲۰(۷۷)، صص ۹۹-۱۲۷.
۱۸. فیروزآبادی، حسن. (۱۳۹۳). تکفیری‌های داعش را بشناسیم. تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
۱۹. قاسمی، رعنا؛ واسعی، هادی و منتظری، سعیدرضا. (۱۳۹۷). تکفیر در اسلام و رویکرد انقلاب اسلامی به گروه‌های تروریستی معاصر. پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۷(۲۶)، صص ۱۶۷-۱۸۳.
۲۰. قانع، محمد؛ اسلامی، سعید و سلیمانی، فاطمه. (۱۳۹۹). مقایسه تحول نگرش به مفهوم جهاد در سلفیه و نوسلفیه و بررسی تأثیر آن بر تحولات سیاسی خاورمیانه. سیاست متعالیه، ۸(۲۸)، صص ۲۶۷-۲۸۹.
۲۱. قراگوزلو، محمد. (۱۳۸۲). افغانستان؛ پایان همایش بنیادگرایان. اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ۱۷۳(۱۷۴)، صص ۲۴-۵۳.

۲۲. کوهکن، علیرضا؛ نزاکتی، فرخنده. (۱۳۹۳). دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی عربستان. سیاست جهانی، ۳(۳)، صص ۲۰۵-۲۳۴.
۲۳. محمدیان، علی؛ ترابی، قاسم. (۱۳۹۴). بسترها و عوامل مؤثر در شکلگیری گروهک تروریستی داعش. سیاست دفاعی، ۲۴(۹۳)، صص ۲۳۰-۲۶۶.
۲۴. مختاری، محمدحسین؛ احمدی، سهیل. (۱۳۹۸). تلازم تمسک به ظواهر نصوص با گسترش تکفیر در مذاهب اسلامی. فقه مقارن، ۷(۱۳)، صص ۵-۲۶.
۲۵. مرادزاده، ناهید؛ شاکری خوئی، احسان. (۱۳۹۵). نقش فرهنگ سیاسی بر شکل‌گیری و تکوین جریان‌های تکفیری و سلفی در خاورمیانه (مطالعه موردی عراق و سوریه). مطالعات جامعه‌شناختی، ۸(۳۲)، صص ۱۰۷-۱۲۱.
۲۶. مرادی، عبدالله؛ کلانتری، نصرالله. (۱۳۹۹). مؤلفه‌های امکانی-امتناعی و کنش‌های انطباقی در روندهای آینده افراط‌گرایی سلفی در جهان اسلام. مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، ۲(۲)، صص ۱۰۱-۱۳۰.
۲۷. مزینانی، احمد؛ خسروپناه، عبدالحسین. (۱۳۹۴). پدیدارشناسی تکفیرگرایی و ارزیابی امنیتی آن. پژوهش‌های حفاظتی-امنیتی، ۳(۱۴)، صص ۱-۲۷.
۲۸. مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۹۴). تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل. تهران: سمت.
۲۹. الموتی، محسن؛ وثوقی، سعید و امام‌جمعه‌زاده، سیدجواد. (۱۳۹۷). تجزیه و تحلیل واگرایی اعتقادی و اندیشه‌ای در جهان اسلام در پرتو نقش آفرینی جریان تکفیری. انسان‌پژوهی دینی، ۱۴(۳۹)، صص ۱۴۵-۱۶۶.
۳۰. نساچ، حمید؛ عبدی‌پور، نصیبه و جمشیدی‌مهر، پرویز. (۱۳۹۶). علل ظهور و تکوین گروه‌های تکفیری در جهان اسلام، از تقابل زندگی قبیله‌ای با مدنیت تا تقابل سنت با مدرنیته؛ مطالعه موردی: خوارج و داعش. پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۶(۲۳)، صص ۱۸۶-۲۰۷.
۳۱. نصیرزاده، حسین؛ گودرزی، مهناز. (۱۳۹۶). سلفی‌گری در خاورمیانه هزاره سوم و جمهوری اسلامی ایران. تحقیقات سیاسی بین‌المللی، ۸(۳۰)، صص ۱۸۱-۲۰۸.
۳۲. هوشنگ مهدوی، عبدالرضا. (۱۳۸۶). تاریخ روابط خارجی ایران: از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی. تهران: انتشارات امیرکبیر.

33. Cahan, Jean Axelrad. (2018). National Identity and The Limits of Constructivism in International Relations Theory: A Case Study of the Suez Canal. *National and Nationalism*, 25(2), pp. 478-498.
34. Guzzini, Stefano. (2000). A Reconstruction of Constructivism in International Relations. *European Journal of International Relations*, 6(2), pp. 147-182.
35. Theys, Sarina. (2018). Introducing Constructivism in International Relationstheory. *E-International Relations*. Available At: <https://www.E-Ir.Info/Pdf/72842>.

References

1. Adami, A., & Moradi, A. (1396 AP). The structure of the international system and identification of Takfiri Islam. *Strategic Policy Research*, 6(23), pp. 258-230. [In Persian]
2. Agashte, M. (1396 AP). Explaining and understanding the basis of takfir thinking in the beliefs of takfiri groups. *Military Sciences and Techniques*, 13(41), pp. 159-181. [In Persian]
3. Alaviyan, M., & Garshasbi, R. (1395 AP). Discourse analysis of the role of the inferential device of takfiri groups on their performance. *Journal of Islamic Policy Research*, 4(9), pp. 115-134. [In Persian]
4. Alipour, A., Heydari, J., & Feli, A. (1393 AP). Internal and external factors affecting the spread of takfiri currents in Southwest Asia. *Afaq Security*, 7(23), pp. 197-227. [In Persian]
5. Alipour, J., Qeitasi, S., & Darabi, M. (1396 AP). The influence of Ibn Taymiyyah's thoughts on the intellectual lines and policies of Salafi-Takfiri groups. *Political thought in Islam*, 4(12), pp. 35-62. [In Persian]
6. Al-Muti, M., Vothoqi, S., & Imam Jumezadeh, J. (1397 AP). Analysis of belief and thought divergence in the Islamic world in the light of the role of Takfiri movement. *Religious Anthropology*, 14(39), pp. 145-166. [In Persian]
7. Burchill, S., Linklater, A., Petersen, M., & Donnelly, J. (1392 AP). *Theories of International Relations* (S. Heydari Fard, Trans.). Tehran: Academic Center for Education, Culture and Research. [In Persian]
8. Cahan, J. A. (2018). National Identity and the Limits of Constructivism in International Relations Theory: A Case Study of the Suez Canal. *National and Nationalism*, 25(2), pp. 478-498.
9. Daneshara, S., & Kazemi, S. (1398 AP). Excommunication; from growth-oriented prevention to the philosophical justification of criminalization. *Contemporary Legal Studies*, 10(19), pp. 295-316. [In Persian]
10. Dekmojian, H. (1377 AP). *Islam in the revolution: contemporary Islamic movements in the Arab world* (an examination of the phenomenon of Islamic fundamentalism) (H. Ahmadi, Trans.). Tehran: Keyhan. [In Persian]

11. Farati, A. W. (1396 AP). The ideology of excommunication; The nature and strategy of facing it. *Political Science Quarterly*, 20(77), pp. 127-99. [In Persian]
12. Firouzabadi, H. (1393 AP). *Let's know the takfiris of ISIS*. Tehran: National Defense University.
13. Ghafari Hashtjin, Z., & Alizadeh Seilab, Q. (1393 AP). The components of the political culture of the Takfiri movement (the case study of ISIS). *Political Studies of the Islamic World*, 3(11), pp. 89-112. [In Persian]
14. Ghasemi, R., Vasei, H., & Montazeri, S. E. (1397 AP). Excommunication in Islam and the Islamic Revolution's approach to contemporary terrorist groups. *Islamic Revolution Research*, 7(26), pp. 167-183. [In Persian]
15. Guzzini, S. (2000). A Reconstruction of Constructivism in International Relations. *European Journal of International Relations*, 6(2), pp. 147-182.
16. Hoshang Mahdavi, A, R. (1386 AP). *History of Iran's foreign relations: from the beginning of the Safavid era to the end of World War II*. Tehran: Amir Kabir Publications. [In Persian]
17. Jahangiri, S., Garossi, N., Bayat, I., & Saeidi, F. (1399 AP). Investigating factors affecting the formation of Takfiri groups in West Asia (dimensions and approaches). *National Interest Studies*, 6(21), pp. 43-57. [In Persian]
18. Karagozlu, M. (1382 AP). Afghanistan; The end of the fundamentalist conference. *Political-Economic Information*, (173-174), pp. 24-53. [In Persian]
19. Kohken, A., & Nezakati, F. (1393 AP). Public diplomacy in Saudi foreign policy. *World Politics*, 3(3), pp. 205-234. [In Persian]
20. Mazinani, A., & Khosropanah, A, H. (1394 AP). Phenomenology of excommunication and its security evaluation. *Protection-Security Research*, 3(14), pp. 1-27. [In Persian]
21. Mohammadian, A., & Turabi, Q. (1394 AP). Platforms and effective factors in the formation of ISIS terrorist group. *Defense Policy*, 24(93), pp. 230-266. [In Persian]

22. Mokhtari, A. H., & Ahmadi, S. (1398 AP). Adherence to the appearance of texts with the expansion of takfir in Islamic religions. *Comparative jurisprudence*, 7(13), pp. 5-26. [In Persian]
23. Moradi, A., & Kalantari, N. (1399 AP). Possibility-refusal components and adaptive actions in the future trends of Salafi extremism in the Islamic world. *Fundamental and Applied Studies of the Islamic World*, 2(2), pp. 101-130. [In Persian]
24. Moradzadeh, N., & Shakeri Khoei, E. (1395 AP). The role of political culture on the formation and development of Takfiri and Salafi currents in the Middle East (a case study of Iraq and Syria). *Sociological Studies*, 8(32), pp. 107-121. [In Persian]
25. Moshirzadeh, H. (1394 AP). *Evolution in theories of international relations*. Tehran: Samt. [In Persian]
26. Nasaj, H., Abdipour, N., & Jamshidimehr, P. (1396 AP). The reasons for the emergence and development of takfiri groups in the Islamic world, from the conflict between tribal life and civility to the conflict between tradition and modernity; Case study: Khawarij and ISIS. *Strategic Policy Research*, 6(23), pp. 186-207. [In Persian]
27. Nasirzadeh, H., & Goodarzi, M. (1396 AP). Salafism in the Middle East of the third millennium and the Islamic Republic of Iran. *International Political Research*, 8(30), pp.181-208. [In Persian]
28. Qanei, M., Eslami, S., & Soleimani, F. (1399 AP). Comparing the evolution of attitude towards the concept of Jihad in Salafism and Neo-Salafism and investigating its impact on political developments in the Middle East. *Sublime Politics*, 8(28), pp. 267-289. [In Persian]
29. Rafi', H. (1394 AP). The influence of Wahhabism in Pakistan on the relations between this country and the Islamic Republic of Iran. *International Relations Studies*, 8(32), pp. 177-211. [In Persian]
30. Rajaei, Y., & Jalili, M. (1389 AP). An introduction to quantitative studies in management. *Quantitative Studies in Management*, 1(1), pp. 1-10. [In Persian]

31. Shahabi, R., & Hosseinzadeh, A. (1394 AP). What and how jihadi-takfiri currents are formed. *Political Research*, 5(12), pp. 26-51. [In Persian]
32. Soori, Hassan. (1397 AP). The foundations of the break in the traditional model of Salafi movements in the Middle East. *Research Journal of Contemporary Thought*, 1(1), pp. 54-24. [In Persian]
33. Taremi, K. (1394AP). An analysis of the factors of the emergence and rapid growth of the Islamic State in Syria and Iraq. *Journal of International Relations*, 8(30), pp. 172-214. [In Persian]
34. Theys, S. (2018). *Introducing Constructivism in International Relations*. E-International Relations. Available At: <https://www.E-Ir.Info/Pdf/72842>.
35. Zanganeh, P., & Hamidi, S. (1395 AP). Psychological re-examination of Salafi-Takfiri groups: A case study of ISIS. *Islamic World Political Research*, 6(3), pp. 121-144. [In Persian]